

نخ

ماهنامه فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی _ اردیبهشت ۱۳۹۰



فاطمه الزهراء

عن عائشة قالت:
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم:
إذا كان يوم القيامة نادى مناد يا معشر الخلائق
طأطئوا رؤسكم حتى تجوز فاطمة بنت محمد صلى الله عليه وسلم.

از عایشه نقل است که گفت: پیامبر خدا (ص) فرمود: هنگامی که روز قیامت فرارسد، منادی ندا کند: ای گروه انسانها! سرهایتان را پایین بیندازید تا فاطمه (س) دختر محمد (ص) از پل صراط عبور کند.

الخطيب البغدادي في تاريخه،
ج ٨، بص ١٤١، ط بيروت

گوناگون

۳۱ تو ایستادی 

۴۲ پرسش از شما، پاسخ از ما 

۴۴ حکایتها و هدایتها

۴۶ جدول

اجتماعی-تربیتی

۱۸ چند خاطره از زندگی و سلوک آیت الله بهجت

۲۱ فرم نظرسنجی

۲۲ هشدارهای شهید مطهری(ره) به رهپویان عرفان 

۲۸ فقیه ری

۳۰ حقوق والدین 

۳۴ آشنیانه سبز

۳۸ هنر، مذهب، جوان در مصاحبه با مصطفی رحماندوست

اعتقادی- فرهنگی

۴ بی تو...

۸ یادکردی از حضرت آیت الله العظمی بروجردی و تاریخچه‌ای از مسجد اعظم قم 

۱۰ یک چمن گل، یک نیستان ناله، یک خمخانه می

۱۲ استاد سخن سعدی

۱۶ اخبار مسجد امام حسین علیه‌السلام 

فرشته زمینی



فاطمه

(ویژه دهه فاطمیه علیها السلام)

بی تو

بی تو تنهایی سخت است ای عشق من، ای تمام هستی من. بی تو بودن معنا ندارد. بی تو، چراغ زندگی ام خاموش است. بی تو، گذران قافله عمر دلگیر است. بی تو، زینب تنها می شود، حسین می میرد. بی تو، بیت الاحزان مدینه تنها می شود. بی تو، آسمان چگونه بیبارد، زمین چگونه تاب بیاورد. بی تو، مدینه سر بر بالین کدام دوست نهد. بی تو، ستارگان خاموشند. بی تو، دیگر صدای ضجه و ناله نمی آید. زهرا جان! ریحانه رسول! بی تو، خورشید غمگینانه غروب می کند. ای بی همتا!... آسمان چگونه پهلویت را دید و نگریست، و زمین چگونه صورتت را دید و در هم نشکست. ای برترین بانو! عارفانه عروج کردی و چشمم در چشم رسول دوختی. عاشقانه پر کشیدی و در آغوش برترین بشر آرام گرفتی!



کوثر قرآن

سرور بانوان دو عالم، حضرت صدیقه طاهره، زهرای مرضیه، عطای خدای رحمان، کوثر پرتو قرآن و همتای امیر مؤمنان است. آن حضرت در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت، در مکه پا به عرصه گیتی نهاد و در دوران حضور پدرش در مکه، سختی‌های آن بزرگوار را در راه تبلیغ دین مبین اسلام دید و خود نیز سه سال از کودکی را در شرایط جانکاه و طاقت فرسای شعب ابی طالب گذراند. زهرا علیها السلام در آن هنگام فریاد کودکان را می‌شنید و خودش هم طعم گرسنگی را می‌چشید و از این رهگذر، درس شکیبایی و مقاومت را فرا می‌گرفت. ایشان به سبب ایثارگری فراوان در راه پدر، لقب «ام ابیها»، را از آن خود کرد. در خردسالی مادرش خدیجه را از دست داد و قلب کوچکش فراق مادر را احساس کرد. ایشان از هیچ اقدامی برای یاری پدرش دریغ نمی‌ورزید و در سال سیزدهم بعثت، پس از هجرت پیغمبر به مدینه، با سن اندک خود، مسیر صدها کیلومتری مکه تا مدینه را پیمود و همراه امیرمؤمنان علی علیه السلام و دیگر زنان، خود را به آن حضرت رساند.

ادب زهرا علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پس از رحلت حضرت خدیجه، با ام سلمه از دواج کرد و فاطمه را به

مگر مریم، دختر عمران برگزیده و برتر از تمام زنان عالم نیست؟ آنها گفتند: مریم تنها سرور زنان عالم در زمان خود بود، ولی خدا تو را سرور زنان در زمان خودت و زمان مریم و نیز زنان اولین و آخرین قرار داده است.

مقام معنوی زهرا علیها السلام

جبرئیل از رسول الله صلی الله علیه و آله خواست سلام الهی را به فاطمه علیها السلام برساند. حضرت زهرا علیها السلام در جواب سلام الهی فرمود: «خداوند خود، سلام است و سلام از اوست و به سوی اوست». یکی از عارفان در توضیح این عبارت حضرت چنین می‌گوید: با دقت در این سه جمله، می‌توان به شناخت والای آن حضرت در مورد حق تعالی پی برد؛ زیرا تا کسی به فنای خود راه نیافته و شهود توحیدی نداشته باشد، ممکن نیست مبادرت به این گونه جواب کند. از این رو، صدور این گونه کلمات، جز از معصوم ممکن نیست.

فاطمه علیها السلام لیلة القدر است

علامه حسن زاده آملی درباره کمالات حضرت زهرا علیها السلام می‌نویسد: امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت فاطمه علیها السلام لیلة القدر است». این حدیث در تفسیر فرات کوفی ضمن سوره قدر روایت شده است.

همسر وفادار خود سپرد تا از وی نگهداری کند. ام سلمه می‌گوید: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فاطمه را به من سپرد تا در تربیتش کوشش کنم. من هم از تربیت و راهنمایی او دریغ نداشتیم، ولی به خدا سوگند، او از من بالادب‌تر و داناتر بود.

برتر از مریم علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام از آن جهت محدثه نامیده شده که فرشتگان از آسمان فرود می‌آمدند و مانند حضرت مریم به وی می‌گفتند: ای فاطمه «خدا تو را برگزید و پاکیزه گردانید و تو را بر زنان عالم برتری داد». ای فاطمه «در پیشگاه پروردگارت فروتنی و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما» و بدین ترتیب، وی با فرشتگان نیز سخن می‌گفت. شبی فاطمه علیها السلام به فرشتگان فرمود:

انسان در وهله اول از این حدیث به این مطلب منتقل می‌شود که قرآن در شب قدر نازل شده است و انسان کامل قرآن ناطق است، و حضرت فاطمه علیها السلام مادر یازده قرآن ناطق است. آن حضرت باید بدین مناسبت لیلة القدر باشد. علامه در جای دیگر می‌نویسد: حضرت فاطمه علیها السلام همان گونه که لیلة القدر... است، اسمی از اسمای حسنی و کلمه ای از کلمات علیای الهی است که خدای سبحان فرمود: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» و حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «قسم به خدا، ما آن اسمای حسنی الهی هستیم که خدا عملی را از بندگانش بدون معرفت ما نمی‌پذیرد».

نماز فاطمه علیها السلام

نماز، مهم‌ترین جایگاهی است که عاشقان خدا هنگام اقامه آن، از هر چه غیر خداست دل می

کنند و با معبود خویش به مناجات می پردازند. حضرت زهرا علیها السلام که قلبش از محبت الهی لبریز بود، نفس هایش در نماز از ترس خدای متعالی به شماره می افتاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز درباره آن حضرت فرمود:

«دخترم فاطمه سرور زنان جهان از آغاز تا پایان است. هر گاه در محرابش در پیشگاه پروردگار بزرگ و شکوهمندش می ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان جلوه می نماید. به فرشتگانش می گوید: ای فرشتگان من! به فاطمه بنگرید که در پیشگاه من ایستاده و از ترس من عضلاتش می لرزد و با دلش به عبادت من روی آورده است. شما را گواه می گیرم که پیروانش را از آتش ایمن ساختم.»

مصیبت های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

فراق مادر

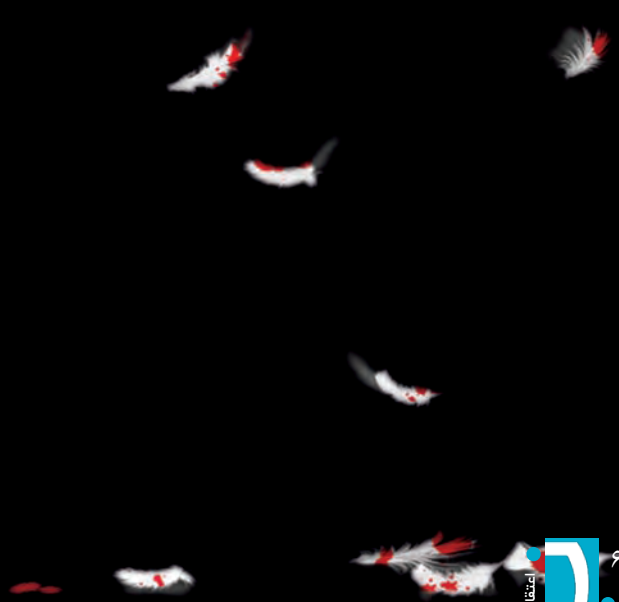
شاید هیچ کدام از حوادث ناگوار کودکی حضرت زهرا علیها السلام، به اندازه مرگ مادر برای آن حضرت غم انگیز نبود. او در فراق مادر چنان می سوخت و غمگین بود که خدا برای آرامش قلب کوچکش پیام تسلیت فرستاد. فاطمه علیها السلام دامان پدر را می گرفت و دور او می گشت و می پرسید: ای رسول خدا! مادرم کجاست؟ و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به وی پاسخی نمی داد تا اینکه جبرئیل آمد و عرض کرد: «یا رسول الله! پروردگارت امر می کند سلامش را به فاطمه برسانی و به او بگویی مادرش خدیجه اکنون در بهشت زیبا و پر طراوت خداست و همراه آسیه و مریم است.» سپس فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «پروردگار عالم منبع رحمت است و رحمت از اوست و همه رحمتها به او برمی گردد.»

روزهای سیاه

به راستی مصیبت های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، فراتر از آن است که قابل توصیف باشد. خود آن حضرت، مصیبت هایش را در قالب شعری هنگام زیارت قبر پدرش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم این گونه می فرمود: «کسی که بوی تربت احمد به مشام او رسیده باشد، هرگز، بوی مشک و عنبر در مشامش جلوه گر نخواهد شد. مصیبت هایی که بر من وارد شد، اگر بر روزها وارد می شد، به شب بدل می گشت.»

در عزای پدر

فضه، خادمه وفادار حضرت زهرا علیها السلام می گوید:



افطار الزهراء

و با مادر تان وداع کنید که این زمان، زمان جدایی است و دیگر بار در بهشت با او ملاقات خواهید کرد. پس حسن و حسین علیهما السلام آمدند، در حالی که می گفتند: «وای! ناراحتی ما به خاطر فقدان جدمان محمد مصطفی و مادرمان فاطمه زهرا علیهما السلام، هیچ گاه از بین نخواهد رفت. ای مادر! هنگامی که با جدمان ملاقات کردی، سلام ما را به او برسان و بگو ما بعد از تو در دنیا یتیم شدیم». امیرمؤمنان علیه السلام می گوید: خدا را گواه می گیرم که فاطمه علیها السلام دست هایش را دراز کرد و آن دورا به آرامی به سینه چسباند و گریست و ناله کرد، ولی ناگهان هاتفی از آسمان سرداد: «این دورا از روی فاطمه بردار. به خدا سوگند ملائکه آسمانها را به گریه در آوردند...».

علی علیه السلام در سوگ زهرا علیها السلام

امام کاظم علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند: هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام وفات کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام در رثای او چنین سرود: «سرانجام هر دوستی، جدایی است، این جدایی ها در مقابل مرگ، ناچیز است. از اینکه من هر روز یاری را از دست می دهم، می توان فهمید که هیچ دوستی پایدار نخواهد بود. به زودی از یاد من رویگردان می شوی و دوستی ام را فراموش می کنی و دوست دیگری جایگزین من می شود».

بوستان بهشتی

درباره محل قبر حضرت زهرا علیها السلام سه دیدگاه وجود دارد:

۱. قبرستان بقیع؛ ۲. خانه آن حضرت؛ و میان قبر و منبر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم. امام صادق علیه السلام می فرماید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «میان قبر و منبر من، باغی از باغ های بهشت است و منبر من بر دریچه ای از دریچه های بهشت قرار دارد». امام صادق علیه السلام در ادامه می افزاید: «زیرا قبر فاطمه علیها السلام میان قبر و منبر اوست و قبر او بوستانی از بوستان های بهشت است و دریچه ای از دریچه های بهشت به سوی آن باز می شود».

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رحلت فرمود و حوادث پس از آن رخ داد، حضرت فاطمه علیها السلام هفت روز بر آن حضرت گریست و سپس روز هشتم نزدیک قبر ایشان آمد و ندا داد: «ای پدر! به راستی که اندوه من بر تو تازه شده. به خدا قسم دلم عاشق و مشتاق توست و به هیچ وجه از تو روی برنمی گردانم. هر روز اندوه هایم افزون می گردد و افسردگی و شکستگی ام از غم تو هرگز از من جدا نمی شود. به راستی هر کس با تو انس یافته، اگر در فراغت صبر و شکیبایی کند، واقعا سخت دل است. ای پدر! به واسطه رحلت تو، انوار دنیا از بین رفت و شکوفایی و زیبایی آن، که به حسن تو شکوفا بود، افسرده شد و روزهای دنیا تیره گردید. پدر جان! تا ملاقات تو پیوسته بر تو عزادار خواهیم ماند».

دو رکن علی علیه السلام

امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: جابر بن عبدالله انصاری گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله سه روز قبل از رحلتش به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «سلام بر تو ای پدر دو ریحانه [و دو گل خوشبوی من]. تو را در مورد آن دو سفارش می کنم. به زودی دو رکن و پایه تو فرو می ریزند و بعد از من، خداوند جانشین من است، [و اگر من نیستم، خداوند هست]». هنگامی که رسول الله از دنیا رفت علی علیه السلام فرمود: این یکی از دو رکنی بود که رسول خدا خبر داده بود و وقتی حضرت زهرا علیها السلام از دنیا رفت. فرمود: این رکن دومی است که رسول الله صلی الله علیه و آله خبر داد.

آخرین سخنان فاطمه علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام در حال احتضار فرمود: سلام بر جبرئیل، سلام بر رسول خدا، خداوند! مرا با پیامبرت قرار ده. خداوند! مرا در رضوان و همسایگی و خانه ات که دار السلام و ایمنی مطلق است قرار ده. سپس فرمود: آیا می بینید آنچه من می بینم؟ عرض شد چه می بینید؟ فرمود: این جمعیت های آسمانها و این جبرئیل و این رسول خداست که می گوید: ای دختر عزیزم! بیا. آنچه در پیش روی توست، برایت بهتر است.

هاتف آسمانی

به راستی سخت ترین لحظات عمر امام علی علیه السلام وداع با فاطمه علیها السلام بود. آن حضرت آخرین دقایق را این گونه توصیف می کند: هنگامی که فاطمه را غسل دادم و کفن کردم، صدا زدم: ای ام کلثوم! ای زینب! ای فضه! ای حسن! ای حسین! بیایید

یاد کردی از حضرت آیت الله العظمی بروجردی و تاریخچه‌ای از مسجد اعظم قم

بهائیت و ریشه کن کردن آنها از آن خطه بود، با تشکیل کلاسهای درس و جمع آوری طلبه های فاضل، سنگ بنای حوزه ای را گذاشت که طی سالهای دراز، ثمرات و نتایج فوق العاده ارزشمندی داشت. در این مدت یکبار به مشهد و یکبار به قم سفر کرد که با استقبال بسیار گرم فضلا و علما و اصرار آنها به اقامت در آن شهرها روبرو شد ولی مردم بروجرد با هر تدبیری، ایشان را به شهر خود برگرداندند.

در سال (۱۳۴۴ ق) به مکه معظمه مشرف شد و در برگشت از آنجا حدود هشت ماه در نجف اشرف توقف کرد و علمای حوزه نجف باز اصرار بر ماندن ایشان در آن شهر داشتند که آیت الله قبول نکردند. در برگشت از عراق که مصادف با اجتماع علمای اصفهان در قم در اعتراض به امور جاریه مملکت بود، در مرز ایشان دستگیر و به تهران برده شد. پس از مدت کوتاهی با وساطت بعضی از بزرگان فامیل طباطبائی،

موجب آزادی ایشان از زندان رژیم رضا خانی شد. ایشان بعد به مشهد رفتند و مدت ۷ ماه ماندند و دوباره به بروجرد برگشتند که تا سال ۱۳۶۴ قمری آنجا بود. بر اثر بیماری و کسالت ایشان، برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی تهران آمد و بعد از بهبودی بر اثر اصرار زیاد علما و بزرگان حوزه قم، ایشان سرپرستی حوزه علمیه قم را به عهده گرفتند، از آن موقع روح تازه‌ای در کالبد حوزه قم دمید و تحولات وسیع علمی را در جهان اسلام به وجود آورد.

آیت الله العظمی بروجردی، علاوه بر کارهای علمی و تحقیقی، برنامه های وسیعی در جهان اسلام و شئون اجتماعی مسلمانان داشت. طلاب جوان را به تالیف و ترجمه کتابهای سودمند و به آموزش زبان های دیگر، برای تبلیغ در کشورهای غیر اسلامی تشویق می کرد، نمایندگان زیادی به مناطق مختلف دنیا و به کشورهای اسلامی فرستاد. از جمله: آقای شیخ محمد تقی قمی را به مصر که مرکز و مهمترین پایگاه علمی مذهبی اهل تسنن بود و هست روانه کرد و مرکز «دارالتقریب مذاهب» را در آنجا تاسیس کرد. همین کار باعث شد که شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه «الازهر» فتوایی مبنی بر صحت پیروی از مذهب شیعه صادر کرد. سپس کتابهایی از مذهب شیعه در مصر منتشر کرد. خدمات ایشان در زمینه های علمی و کتب و آنقدر زیاد است که در جای دیگر همه آنها ذکر شده است. این رجل بزرگ الهی، یادگارها و باقیات و صالحات فراوانی از خود به جای گذاشت بطور خلاصه چند نمونه آنرا ذکر می کنیم:

۱- مسجد اعظم در قم در کنار حرم مطهر حضرت معصومه علیهما السلام



آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی (بروجردی) مرجع شیعه و عالم مشهور قرن ۱۴ در سال ۱۲۹۲ هجری قمری در شهر بروجرد دنیا آمد. پدرش حاج سید علی از علمای بروجرد و اکثر اجداد و دودمان او از دانشوران و علمای مشهور زمان خود بودند، و چند تن از آنها مقام مرجعیت و رهبریت مذهبی مردم را بر عهده داشتند، از جمله سید مهدی بحر العلوم طباطبائی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی مولف العروة الوثقی،

علامه سید علی طباطبائی مولف ریاض المسائل و سید محسن طباطبائی حکیم! و خاندان او نیز با بعضی از خاندان علمی شیعه مانند بیت مرحوم مجلسی اول و دوم و علامه وحید بهبهانی و ... مربوط بودند.

حاج آقا حسین از هفت سالگی به مکتب رفت. قرآن و ادبیات و منطق را به سرعت یاد گرفت. در سن ۱۸ سالگی به اصفهان که آن زمان از مراکز مهم علمی بود، رفت. در طی ده سال از محضر اساتید بزرگی کسب علم کرد و به مراحل عالی علمی نائل شد که ۳ تن از اساتید او، به او اجازه اجتهاد دادند. همزمان با تحصیل، تدریس فقه و اصول را شروع کرد که عده زیادی از فضلا در جلسات درس او شرکت می کردند.

ایشان در حدود سال ۱۳۲۰ قمری به نجف اشرف رفت و به حوزه درس سید محمد کاظم خراسانی (آخوند) و شیخ الشریعه و مجتهد بزرگ سید محمد کاظم یزدی طباطبائی حضور یافت و در مدت کمی در آن حوزه هم مورد توجه اساتید و طلاب واقع شد و شهرت پیدا کرد. آیت الله بروجردی پس از سالها اقامت در نجف در سال ۱۳۲۸ قمری با اصرار پدرش به شهر خود (بروجرد) برگشت، که این برگشت و اقامت در بروجرد ۳۶ سال طول کشید. در این مدت فعالیت های علمی و اجتماعی زیادی داشت. از همان سال اول، مبارزه منطقی و جدی علیه فرقه ضاله

۲- کتابخانه مسجد اعظم

۳- مدرسه علمیه در نجف در کنار حرم امیرالمومنین علیه السلام

۴- حسینیه و حمام در سامرا

۵- مسجد هامبورگ در آلمان.

بازسازی و مرمت چند مدرسه، کتابخانه و مسجد در شهرها و کشورهای مختلف مثل مدرسه فیضیه و مدرسه خان در قم، مدرسه بقعه در کربلا، مدرسه علمیه در کرمانشاه و بیمارستان نکوئی در قم. سرانجام

این عالم ربانی صبح روز ۵شنبه ۱۳۴۰/۱/۱۰، ۱۲ شوال سال ۱۳۸۰ قمری در سن ۸۸ سالگی روحش به عالم قدس شتافت.

مسجد اعظم یکی از قدیمی ترین، بزرگترین و بی گمان زیباترین بنای تاریخی فقیه برجسته حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی در قم است که همه روزه پذیرای جمعیت زیادی از زوار برای برپایی نماز می باشد.

مجاورت بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (ع)، معماری بی نظیر و تدریس درسهای سنگین حوزه توسط مراجع بزرگ حوزه، از جمله علی است که این مسجد عظیم را حائز اهمیت می کند.

این مسجد بزرگ که امروزه مرکزیت حوزه مقدسه است، دارای مساحت ۱۲ هزار متر مربع می باشد. عدم وجود مکانی برای برپایی نماز، مراسم اعیاد، وقیات و محصور کردن این بارگاه ملکوتی با قبرستانهایی در اطراف آن از انگیزه ساخت چنین مسجد باشکوهی توسط مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی خبر می دهد. آن مرجع تقلید بزرگ بر این باور بودند که «در جوار کریمه اهل بیت (س) باید مسجدی هم شان مسجد گوهرشاد نسبت به بارگاه حضرت (رضاع) وجود داشته باشد.» لذا مرحوم بروجردی در زمان حیات خود با تملیک و خریداری منازل و بازارهای اطراف حرم در سال ۱۳۳۳ کلنگ ساخت این مسجد را در محلی که محراب شبستان زیرگنبد است با دستان مبارک خود بر زمین می زدند. این مسجد را مثلثی تشکیل می دهد که ضلع جنوبی آن در حدود یکصد و بیست متر و قاعده آن شاید به ده متر هم نمی رسد. اما با دقت نظر مرحوم حاج حسین لرزاده یکی از معروفترین معماران آن عصر است که این بنای باشکوه را با وجود چنین مشکلی، با این دقت نظر به انجام رساندند. ساخت این مسجد که در سال ۱۳۳۹ خاتمه می یابد، از معماری و کاشی کاری هنرمندانه ای برخوردار است.

گنبد مسجد با مساحتی قریب ۱۴۶۰ متر، گنبد بسیار بزرگی در دنیای شیعه است. کاشی کاری محراب و گنبد که از آثار قدیم کاشی کاری در ایران است خود، میراث فرهنگی امروز است.

زیر گنبد و ایوان مصنوعه دو گوشواره ۲ شبستان است که مجموع مسجد را تشکیل می دهد. بیرون شبستان ۲ ایوان قرار گرفته که جزء مسجد می باشد. ساختمان مخزن کتابخانه و سالن های مطالعه و ایوان کوچک، وضوخانه و حوضخانه در غرب مسجد قرار گرفته است (که

امروزه در طرح جدید تخریب شده و در ضلع دیگر ساخته می شود). جنوب مسجد علاوه بر شبستان نسبتاً بزرگی که نمای مسجد است، دارای راهرویی است که بعد از ورود به محوطه کوچکی سالن نهار خوری بزرگی قرار دارد. آبدارخانه، کشیک خانه، چاه آب و حوض زیبایی که در کنار چاه تهیه شده، مجموع ساختمانهای مسجد است.

مرقد مطهر ایشان نیز در ضلع غربی مسجد اعظم بنا بر

سفارش و وصیت ایشان واقع

شده است. آیت الله علوی

بروجردی سبط بزرگوار ایشان

در این باره می فرمایند: این

مکان قبلاً خانه کوچکی به

مساحت ۶۰ متر مربع بود که از

مال شخصی آیت الله بروجردی

خریداری شده و بعد از مشخص

نمودن محل دفن خود، باقی

زمینها را وقف مسجد نمودند. و

همیشه می فرمودند: «از آنجاکه

این مکان راهروی ورود به حرم

مطهر است، مرا در این مکان دفن کنی تا خاک کفش زوار، روی

قبر من باشد.»

تاسیس کتابخانه ای در ضلع غربی مسجد، دیگر یادگاری

آن مرحوم فقید است. در زمان ایشان، مدیریت این کتابخانه به

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج ابوالقاسم دانش آشتیانی

محول شده بود که در آن زمان مجموع ده هزار جلد کتاب را

شامل می شد. به علت کسالت و درگذشت آن فقیه برجسته

افتتاح کتابخانه بعد از اربعین ایشان با مدیحه ثرابی شاعرانی

چون محمدحسین علوی و دیگر شاعران انجام گرفت.

این کتابخانه عظیم امروزه از نظر نسخه های خطی یکی

از معتبرترین و مهم ترین کتابخانه های ایران در جهت حفظ

میراث فرهنگی شیعه است، دارای بخش عظیمی از جزوات،

کتابهای خطی نفیس و چاپی و مجلات معتبری می باشد که از

اهدایی های ناشر بزرگ تهران مرحوم رضائی است. همچنین

آیت الله فرید محسنی نواده آقا محسن اراکی نیز کتب عظیم و

ارزشمندی را در اختیار این کتابخانه گذاشته اند.

در حال حاضر نیز این کتابخانه دارای بیش از یکصد هزار

کتب چاپی و بیش از ۷ هزار کتب خطی می باشد. از آنجا

که این کتابخانه جوایگوی مخزن کتاب و سالن مراجعه ی

اشخاص نبود، از تمامی کتابهای خطی عکسبرداری شده و به

صورت CD آماده گردیده که افراد با مراجعه به آنها می توانند

به منابع دسترسی پیدا کنند. نوارخانه، قسمتی از این کتابخانه

است که امروزه در آن ۴۵ هزار ساعت نوار از درس بزرگان

حوزه در گذشته و حال قرار دارد.

سالن های مطالعه متعدد برای عموم و سالن های خاص برای

محققین از برنامه های آینده برای این کتابخانه به شمار می رود.



اقبال لاهوری با یک چمن گل، یک نیستان ناله، یک خمخانه می



۱- زندگینامه

گفتگوهای بسیاری داشته که همین آغاز راهی بود، برای آشنائی بیشتر او با فلسفه و عرفان اسلامی تا آنجا که خود را از مریدان خاص مولانا جلال‌الدین و محمد غزالی می‌دانست و تفکرات آنان را در تمامی شؤون زندگی و فکری خود به کار می‌بست.

اقبال لاهوری آثار زیادی در زمینه‌های مختلف داشته اما آنچه از آن میان شهره بسیار دارد کتاب «احیاء فکر دینی» ایشان است که در واقع به عنوان یک کتاب ایدئولوژیک برای مسلمانان است. این کتاب برای نظام‌مند کردن تفکرات و زندگی دینی همه مسلمانان به دست ایشان تالیف گشته. همان ایدئولوژی که با سید جمال‌الدین در سرزمین ما آغاز گشت و بعد در سطح همه جهان اسلام شیوع یافت و امروزه به عنوان یک ایدئولوژی معتبر در میان کشورهای مسلمان مطرح گشت.

ایشان به زبان فارسی اهمیت ویژه‌ای می‌داد، و اغلب آثار نظم و نثر او به همین زبان است از جمله آثار اشعار او کتاب‌های پیام مشرق، اسرار و رموز بیخودی، جاوید نامه، مثنوی، پس چه باید کرد و ارمغان اعجاز می‌باشد.

علامه اقبال به عنوان یک ایدئولوگ، ایجاد جامعه اسلامی را با در نظر داشت پیشرفتهای تمدن و فرهنگ امروز جهان، هدف کارهای فکری و ادبی خود قرار داده بود و قصد داشت با اشعار و آثار خود نوعی از تحرک و پویائی را برای مسلمانان ایجاد نماید و آنان را به تلاش فراوان سوق دهد تا آن که از خواب غفلت بیرون آیند- او از مسلمانان می‌خواست که برای رشد جامعه واحد اسلامی از علم و فن غرب استفاده نمایند نه از مظاهر منفی غیر اسلامی آن. به منظور نزدیک شدن به این هدف بود که اقبال به مطالعه در نظام‌های فکری گوناگون در شرق و غرب پرداخت و از آنها راهکارهای پوینده و جاندار و متحرک پدید آورد.

علامه اقبال یکی از شخصیت‌های مهم فرهنگ و تمدن نیم قاره هند است که جوهره اساسی فرهنگ و تمدن اسلامی را در دوره معاصر تشکیل می‌دهد و امروز به عنوان یکی از ایدئولوگهای با ارزش جهان اسلام شناخته می‌شود، به گونه‌ای که اندیشه‌هایش در ایجاد جریان‌های مهم سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی خصوصاً در نیم قاره هند از اهمیت زیادی برخوردار است.

اقبال لاهوری را قطعاً می‌بایست یک قهرمان اصلاح در جهان اسلام به شمار آورد که اندیشه‌های اصلاحی او از مرز کشور خودش هم گذشت چرا که همه شایستگی‌ها و مزایای فکری و معنوی خود را با تمام وجود در خدمت اسلام آورده و آن چنان به دین مبین اسلام و آموزه‌های آن عشق ورزیده که همین خصیصه از او به عنوان اقبال جاوید ساخته است.

اقبال لاهوری در سال ۱۲۵۲ ش در منطقه سیالکوت پاکستان متولد و در سال ۱۳۱۷ ش در لاهور پاکستان دیده از جهان فرو بست. ایشان بعد از کسب آموزشهای مقدماتی در مدارس محلی و یک مدرسه انگلیسی، جهت تحصیلات عالی به دانشگاه‌های کمبریج و مونخ عزیمت نمود و در رشته فلسفه به درجه دکترا نائل آمد و رساله دکترای خود را تحت عنوان سیر فلسفه در ایران تنظیم نمود.

مهم‌ترین نکته در شناخت اقبال تأثیرپذیری از تامس آرنولد اسلام‌شناس انگلیسی است که پرده تعصب و تنگ‌نظری را از برابر چشمان اقبال برداشت و او را برای ادامه تحصیل در انگلستان تشویق نمود. اقبال در اروپا با جمعیت اتحاد اسلام (پان اسلامیسیم) و پیروان سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا شد. در همین سفر با فرهیختگان و بزرگانی همچون ادوارد براون و رینولد نیکلسون در دانشگاه کمبریج

اقبال را نباید صرفاً همانند فیلسوفی در نظر گرفت که می‌خواهد به پدیده‌ها نظم دهد بلکه او بیشتر پیام‌آوری اندیشمند و شاعری متفکر بود که افکارش بر مدار یک مضمون اصلی قرار داشته که همان نیرو بخشی و تقویت فرد در گستره جامعه اسلامی و به‌طور کلی در جامعه بشری بوده است.

تا آنجا که در یادداشت‌های پراکنده خود می‌فرماید: اگر می‌خواهی که در غوغا و هیاهوی این جهان صدایت شنیده شود بگذار که تنها یک اندیشه بر جان و روح تو مستولی گردد. تنها آنانیکه اندیشه‌ی یگانه دارند، انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی را پدید می‌آورند و امپراطوری‌ها را بر پا می‌سازند و به جهان نظم و قانون می‌دهند.

۲- علل عقب ماندگی مسلمانان از دیدگاه علامه اقبال لاهوری

ایشان معتقد بود که کشورهای اسلامی هویت خود را که هویت اسلامی است از دست داده و باید آن را باز یابد همان‌طور که فرد احياناً دچار تزلزل شخصیت و یا گم کردن خویش می‌شود و از خود فاصله می‌گیرد و با خود بیگانه می‌شود، جامعه نیز این‌گونه است چرا که جامعه مانند فرد، روح و شخصیت داشته و احياناً دچار تزلزل شخصیت و از دست دادن هویت می‌گردد. تا آنجا که دچار سقوط خواهد شد. مسلمانان در حال حاضر در برخورد با تمدن و فرهنگ غرب دچار بیماری تزلزل شخصیت و از دست دادن هویت شدند. اقبال با نقد وضعیت کشورهای اسلامی و پراکندگی آنان، این از هم گسیختگی را نتیجه دوری جوامع اسلامی از روح دین می‌داند. علامه اقبال قائل است که مسلمانان دنیای امروز نقطه اصلی اتکای خود را گم کرده و احساس سرگردانی می‌کنند چرا که امروزه می‌بایست مدرنیسم را تجربه نمایند که هیچ ذهنیتی از آن نداشته‌اند که البته این فرهنگ باعث دور شدن مسلمانان از اصل و هویت خودشان می‌شود که این خودباختگی و دور افتادگی مسلمانان از اصالت خویش از جمله علت‌های اصلی عقب ماندگی و انحطاط جوامع اسلامی است. ایشان با توجه به این مشکل اساسی در میان مسلمانان جهان با تأکید بر مشترکات دینی و تقویت اصل خودی بر آن شد تا روحی تازه بر پیکره کشورهای اسلامی بدهد و زمینه ساز اتحاد اسلامی گردد و لذا تقلید کورانه از فرهنگ غرب را موجب تهی شدن انسان از خود و اندیشه‌های اصیل خودی و به جای آن پر شدن از ارزش‌های شیطانی و ضد انسانی می‌داند. او با مطالعه دوباره فرهنگ اصیل اسلامی در جستجوی کشف اصول و ارزش‌هایی بود که بتواند جوامع اسلامی را متناسب با دنیای مدرن تغییر دهد که این تلاش به کشف دموکراسی اسلامی انجامید.

ایشان قائل است که برابری هسته اصلی تفکر اسلامی است و

دموکراسی اسلامی را مهم‌ترین روش ایده‌آل در دنیای سیاسی اسلام می‌داند. این دموکراسی قطعاً جدای از دین و اخلاق اسلامی نیست در واقع دنیای اسلام با این دموکراسی جامعه‌ای چند ملیتی و فراتر از تعصبات قومی و قبیله‌ای خواهد بود. چنین جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و انسجام درونی مسلمانان است که ناشی از وحدت مذهبی سیاسی همه مسلمانان جهان است. علامه اقبال ملت مسلمان را به عسل تشبیه می‌کند که از گل‌های مختلف قطره‌های شهد به وجود می‌آید و پس از تصفیه، تبدیل به محصول گرانبها و ارزشمند می‌شود او در تحلیل از تشکیل دولت واحد و منسجم اسلامی عبارت ولایت عشق را مد نظر قرار می‌دهد. ولایت عشق از دیدگاه اقبال، جامعه‌ای است که در آن امنیت و برابری انسانی عدل و تساوی اقتصادی حکمفرما می‌باشد.

توصیه اقبال برای این مدینه فاضله آن است که تحت تأثیر کشورهای مترقی و پیشرفته که اساس آن‌ها بی‌دینی و مادیت است نرود. بلکه بنیان زندگی خود را بر روحانیت استوار نماید چرا که معتقد است حضور استعمار در کشورهای اسلامی و کوشش آنها برای تامین منافع اقتصادی و سیاسی خودشان باعث دامن زدن به اختلاف مذهبی و فرقه‌ای و نژادی میان مسلمانان و از هم گسیختگی جوامع اسلامی است.

۱. شادروان، حسن؛ اقبال شناسی؛ با مقدمه محیط طباطبایی؛ سازمان تبلیغات اسلامی، تهران؛ ۱۳۷۱.

۲. سعیدی، غلامرضا؛ اندیشه‌های اقبال لاهوری؛ به کوشش هادی خسرو شاهی؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

۳. شناخت اقبال، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت اقبال لاهوری

۴. علامه اقبال لاهوری... پروین قائمی چاپ فرلین سال ۱۳۸۲ ه. ش

۵. سیر اقبال شناسی در افغانستان... عبدالروف خان رفیقی شامل چهل مقاله و مجله کابل سال‌های ۱۳۱۱ ه.

۶. اقبال ستاره بلند مشرق... سید محمد علی خامنه‌ای دانشگاه تهران سال ۱۹۸۲ م

استاد سخن سعدی



علوم را می‌آموخت. هنگام نوجوانی به پژوهش و دین و دانش علاقه فراوانی نشان داد. سعدی در حدود ۶۲۰ یا ۶۲۳ قمری از شیراز به مدرسه نظامیه بغداد رفت و در آنجا از آموزه‌های امام محمد غزالی بیشترین تأثیر را پذیرفت غیر از

نظامیه، سعدی در مجلس درس استادان دیگری از قبیل شهاب‌الدین عمر سهروردی نیز حضور یافت و در عرفان از او تأثیر گرفت. پس از پایان تحصیل در بغداد، سعدی به سفرهای گوناگونی پرداخت از جمله از عراق، شام و هندوستان، ترکستان، آسیای صغیر، غزنین، آذربایجان، فلسطین، چین، یمن و آفریقای شمالی دیدار کرده است.

سعدی در حدود ۶۵۵ قمری به شیراز بازگشت سعدی در مقبره‌ای که اکنون آرامگاه اوست و در گذشته محل زندگی او بود، به خاک سپرده شد که در ۴ کیلومتری شمال شرقی شیراز، در دامنه کوه فهندژ، در انتهای خیابان بوستان و در کنار باغ دلگشا است. بنای فعلی آرامگاه سعدی از طرف انجمن آثار ملی در سال ۱۳۳۱ هـ-ش با تلفیقی از معماری قدیم و جدید ایرانی در میان عمارتی هشت ضلعی با سقفی بلند و کاشیکاری ساخته شد. روبه‌روی این هشتی، ایوان زیبایی است که دری به آرامگاه دارد.

ابومحمد مُصلِح بن عَبْدِالله مشهور به سعدی شیرازی شاعر و نویسنده پارسی‌گوی ایرانی است. مقامش نزد اهل ادب تا بدانجاست که به وی لقب استاد سخن داده‌اند. آثار معروفش کتاب گلستان در نثر و بوستان در بحر متقارب و نیز غزلیات وی است.

درباره نام و نام پدر شاعر و هم چنین تاریخ تولد سعدی اختلاف بسیار است.

سال تولد او را از ۵۷۱ تا ۶۰۶ هجری قمری احتمال داده‌اند و تاریخ درگذشتش را هم سالهای ۶۹۰ تا ۶۹۵ نوشته‌اند. آنچه مسلم است اغلب افراد خانواده وی اهل علم و دین و دانش بودند.

سعدی خود در این مورد می‌گوید:

همه قبیله‌ی من، عالمان دین بودند

مرا معلم عشق تو، شاعری آموخت

سعدی در شیراز زاده شد. پدرش در دستگاه، فرمانروای فارس شاغل بود. سعدی کودکی بیش نبود که پدرش در گذشت.

در دوران کودکی با علاقه زیاد به

مکتب می‌رفت و مقدمات